

راهکارهای جلوگیری از انحرافات جنسی از دیدگاه قرآن و روایات

جمال فرزندوحی*

استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه رازی کرمانشاه

سیدمحمد موسوی**

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام

امیر فتّاحی***

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام

(تاریخ دریافت: ۹۱/۷/۱۹ تاریخ تصویب: ۹۱/۱۲/۹)

چکیده

انحرافات جنسی و مسائل مترتب بر آن، موضوع پژوهش حاضر می‌باشد. هدف این پژوهش ارائه راهکارهای مقابله با انحرافات جنسی بر مبنای آموزه‌های حیات‌بخش دین مبین اسلام است. در این تحقیق تلاش شده است ضمن جمع‌آوری مطالب به روش کتابخانه‌ای و با تکیه بر روش کیفی، به تحلیل آیات قرآن کریم و روایات پرداخته و راهکارهای مقابله با انحرافات مذکور تبیین و بررسی شود. پژوهش حاضر گویای این مهم است که دین مبین اسلام برای جلوگیری از بروز انحرافات جنسی در دو حوزه فردی و اجتماعی راهکارهایی را در نظر گرفته است. در زمینه فردی راه‌حلهایی از جمله ازدواج، رعایت کنترل بر رفتار دختران، غیرت‌ورزی و استیذان فرزندان و... می‌تواند از بروز آفت در این حوزه اخلاقی جلوگیری کند. همچنین، این دین حیات‌بخش به منظور جلوگیری از انحرافات جنسی در حوزه اجتماعی برای نهادهای حکومتی نیز دستورهای ارائه فرموده که مهم‌ترین آنها اهتمام به ازدواج جوانان و آسان‌سازی آن، پائین آوردن سن ازدواج و برخورد قاطع با مخالفان می‌باشد.

واژگان کلیدی: انحرافات جنسی، میل جنسی، خانواده، عفت، ازدواج.

*. E-mail: farzandwahy@yahoo.com

** E-mail: mh.mosavi313@yahoo.com

***. E-mail: amirfatahi313@yahoo.com

مقدمه

میل جنسی یکی از مهم‌ترین گرایش‌ها و نیازهای فیزیولوژیک انسان‌هاست و بقای نسل، حیات، آرامش روح و روان انسان به این میل و غریزه بستگی دارد. اگر این غریزه در مسیر حقیقی خود قرار گیرد، سعادت دنیا و آخرت انسان تأمین می‌شود، ولی اگر به انحراف کشیده شود، مشکلات و آسیب‌های جبران‌ناپذیر روانی، اخلاقی و اجتماعی را برای انسان به وجود می‌آورد. موضوع انحرافات و نابهنجاری‌های جنسی در طول تاریخ از مهم‌ترین آسیب‌های اخلاقی قلمداد شده است. در دوران معاصر نیز با گسترش و تنوع یافتن ارتباطات و وسایل ارتباطی، این آسیب اخلاقی، چه به لحاظ شیوه و چه از نظر کمیت رو به افزایش است. هر چند این گونه نابهنجاری اخلاقی در کشورهای غربی نسبت به جوامع اسلامی قابل مقایسه نخواهد بود، ولی از آنجا که بزرگ‌ترین حربه‌ای که جهان غرب برای تضعیف اقتدار ملی سایر جوامع از آن استفاده می‌کند، اشاعه انحرافات اخلاقی و جنسی است. همچنین، با وجود تهاجم فرهنگی و براندازی نرم از سوی کشورهای استعمارگر، پژوهش‌هایی با چنین عنوان‌هایی بسیار ضروری به نظر می‌رسد. اسلام که دین فطرت و رحمت است، برای کنترل و قرار گرفتن این غریزه در مسیر واقعی خود و نیز برای جلوگیری از بروز انحرافات در این غریزه، راه‌حلی را ارائه می‌دهد که متأسفانه عدم رعایت راه‌حل‌ها، کيفرهای دردناکی را متوجه فرد و جامعه خواهد ساخت و به راه‌های ناسالم و نامشروع منجر می‌شود که فرد و جامعه را از مسیر حقیقی و واقعی خود باز می‌دارد. به همین دلیل، لازم است تدابیر مناسبی برای رویارویی با این مشکل در حال گسترش اندیشیده شود. نوشتار حاضر روش‌های پیشگیری از انحرافات جنسی را از دیدگاه قرآن کریم و روایات مورد بحث قرار داده است. این پژوهش ابتدا راهکارهای فردی را بررسی نموده، سپس به بیان راهکارهای اجتماعی و وظایف حکومت در قبال این انحرافات می‌پردازد.

راهکارهای پیشگیری از انحرافات جنسی

طبق نظریه فروید، انحراف جنسی به معنای آن است که تمایل جنسی به گونه‌ای ارضا شود که از اصل تولید مثل خارج باشد. وی تأکید می‌کند تا وقتی انحراف به صورت حاد، زندگی را در معرض مخاطره قرار نداده باشد، اختلال و فساد جنسی محسوب نمی‌شود. از این روی، فروید انواع انحرافات جنسی را چنین بر می‌شمارد: ۱- کودک‌خواهی. ۲- حیوان‌خواهی. ۳- یادگارپرستی. ۴- عریان‌گرایی. ۵- دگرآزاری. ۶- خودآزاری (ر.ک؛ کجیاف، ۱۳۸۷: ۸۵). البته

فروید بر این عقیده است که خودارضایی هم در میان افراد عادی و هم افرادی که دارای اختلال‌های روانی هستند، وجود دارد و از انحرافات جنسی محسوب نمی‌شود (ر.ک؛ همان: ۳۸).

نیروی طبیعی غریزه جنسی به منظور بقاء نسل انسانی و ایجاد یک سلسله هیجان‌ها روحی و عاطفی در انسان است که باید از طریق قانونی و مشروع اشباع گردد. انواع خیانت‌ها و زنا، نه تنها اجتماع را به مقصد فوق نزدیک نمی‌کند، بلکه انسان‌ها را در صدها دره مخوف و هولناک می‌اندازد که امراض مقاربتی گوناگون و ثروت‌های هنگفتی برای معالجه آنها مصرف می‌شود و هزاران کودک بی‌سرپرست تنها گوشه‌ای از این پرتگاه‌ها را نشان می‌دهد!

برنامه هدایتی اسلام برای جلوگیری از بروز انحراف در این غریزه تنها در سطح فکری و ایده‌ای نیست، بلکه برای هدایت صحیح بشر در این زمینه، روش‌های اساسی و مؤثری را طرح نموده است. راهکارهایی که دین اسلام برای جلوگیری از انحرافات جنسی ارائه می‌دهد، به دو دسته راهکارهای فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود.

الف) راهکارهای فردی

بارزترین راهکارهای فردی عبارتند از:

۱) کنترل نگاه و طرد افکار شیطانی

چشم دریچه‌ای است که نگاه در آن متوقف نشده و هر وقت دیده ببیند، دل تحریک می‌شود. چه بسیار می‌شود که یک نگاه یک طوفان به پا می‌کند. عشق‌های سوزان، ولی نامشروع، بدبختی زیادی به بار می‌آورد. همچنین از نظر علم ثابت شده است که از جمله عواملی که نیروی جاذبه در انسان را وادار به فعالیت می‌کند، نگاه و چشم‌افکنی می‌باشد (ر.ک؛ راستگو، بی تا: ۱۶-۱۷). لحظه‌ای چشمان مرد و زن به هم می‌افتد و به تبع غریزه بشری، این نیرو به کشش تبدیل می‌شود و هر کدام از آنها دیگری را به خود جذب می‌کند و او را شیفته و فریفته خود می‌سازد. خداوند سبحان در قرآن کریم برای نجات بشریت از این مهلکه‌های خطرناک، راه صحیح و عاری از خطر را نشان ما می‌دهد و به عنوان اولین مرحله حفظ عفت و پاکدامنی می‌فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ * وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...» به مؤمنان بگو چشمهای خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند، و عفاف خود را

حفظ کنند. این برای آنان پاکیزه‌تر است. خداوند از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است؛ * و به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند...» (نور/۳۰-۳۱). این آیه نمی‌گوید که مؤمنان باید چشمه‌هایشان را فرو بندند، بلکه می‌گوید باید نگاه خود را کم و کوتاه کنند و از همان ابتدا نگاه خود را کنترل نموده تا به عواقب سوء آن گرفتار نشوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۴۳۶). همان طوری که در بیان ماجرای بلعم باعورا آمده است، وقتی بلعم باعورا به فرعونیان گفت زنان و دختران خود را آرایش کنید و به میان قوم موسی بفرستید، فرعونیان زنان و دختران را آرایش کرده، میان قوم موسی فرستادند. ابتدا بنی‌اسرائیل چشم فرو بستند، اما بعد نگاه پنهانی کردند و بعد لمس نمودند و کار آنها به انحراف کشیده شد (سیوطی، ۱۴۰۴ق. ج ۳: ۱۴۷-۱۴۵). این نشانگر نقش مخرب نگاه‌آلوده در تخریب سلامت اخلاقی فرد و جامعه می‌باشد، تا جایی پیامبر اکرم (ص) آن را تیری از تیرهای شیطان معرفی می‌فرمایند: «التَّظَرُّةُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إبْلِيسَ مَسْمُومٌ»: نگاه تیری از تیرهای زهرا آگین شیطان است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۱: ۳۸).

همچنین از لحاظ علمی ثابت شده است که هر قدر که عشوه‌گری زن بیشتر باشد، تأثیر آن بر تشویش خاطر مردان و ضعف نیروی حافظه آنان بیشتر است. بخش‌هایی از مغز که کارش پردازش معلومات و تثبیت آن است، با حضور زن آرایش‌کرده و سخن‌گفتن با او تحت تأثیر قرار می‌گیرد. بدین روی، مرد در این هنگام نمی‌تواند نظر درستی اتخاذ کند و این روند دست کم در مدت نگاه کردن و حتی پس از آن وجود دارد، تا آنکه پس از مدتی این تأثیر از بین برود (دی آنجلس، ۱۳۷۸: ۹۱).

۲) رعایت عفت؛ مایه عصمت و پیراستگی

عفت و حیا در حکم حصار است که دل‌های پاک را در بر گرفته و جرأت عبور از مرز انسانی را از بین می‌برد و بدین وسیله مانع سقوط به عوالم حیوانی می‌گردد و تا در نهاد آدمی باقی است، به منزله نرده‌ای است در اطراف نردبان ترقی و تکامل روح انسانی که در صورت بروز خطا و لغزش، مانع افتادن به عوالم حیوانی و خوارگرفتن به رذایل اخلاقی می‌گردد. پیامبر (ص) می‌فرمایند: «الْحَيَاءُ هُوَ الدِّينُ كُلُّهُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۸۳). حیا تمام دین است. امام باقر (ع) نیز حیا را برترین عبادت می‌شمارد و می‌فرماید: «مَا عَبْدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ عِفَّةِ بَطْنٍ وَ فَرْجٍ: هیچ عبادتی برتر از عفت شکم و عفت جنسی نیست» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۷۹). نمونه بارز عفت و پاکدامنی، محمد بن سیرین بود که با وجود زیبایی خاصی که داشت، از آن دام که برای او گسترانیده بودند، با رعایت عفت رهید و

توانست خود را نجات دهد و عکس آن که نمونه بی‌عفتی محسوب می‌شود، برصیصای عابد و آلوده شدن او بعد از هفتاد سال عبادت و مستجاب‌الدعوه شدن می‌باشد (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۹۸). بنابراین، عفت آن قدر در زندگی مهم و اساسی است که ابن‌سیرین توانست زندگی خود را نجات دهد و برصیصای عابد زندگی خود را از دست داد و حتی در حال سجده بر شیطان از دنیا رفت! قرآن کریم در تمجید دختران شعیب می‌فرماید: «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ يَكِي از آن دو (زن) به سراغ او آمد، در حالی که با نهایت حیا گام برمی‌داشت» (قصص/۲۵). در این آیه خداوند پاکی و حیا دختر حضرت شعیب را بیان می‌دارد و از طرف دیگر، به بیان و توصیف حیا و عفت حضرت موسی (ع) به هنگام بیرون کشیدن آب و نیز در مسیر راه تا منزل حضرت شعیب را بیان می‌کند. هنگامی که حضرت موسی (ع) به سوی خانه شعیب آمد، طبق بعضی از روایات، دختر شعیب برای راهنمایی از پیش رو حرکت می‌کرد و موسی (ع) از پشت سرش. باد بر لباس دختر می‌وزید و ممکن بود لباس را از اندام او کنار زند. حیا و عفت موسی (ع) اجازه نمی‌داد چنین شود، لذا به دختر گفت من از جلو می‌روم بر سر دو راهی‌ها و چند راهی‌ها مرا راهنمایی کن (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۵: ۱۱۸). بنابراین پرواپیشگی و عفت در رفتار و کردار، عرصه‌های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد.

۳) نهی از فروتنی در گفتار با نامحرم

یکی از عواملی که باعث تهییج شهوت و انحراف جنسی می‌شود، نازک کردن صدا و با ادا و اطوار سخن گفتن زنان است. این سخن گفتن با اشاره چشم و ابرو چنان بر قلب هوسبازان مؤثر است که آنها را متوجه انحراف جنسی و عشق‌های شهوانی می‌کند. قرآن کریم در این مورد به زنان پیامبر خطاب می‌فرماید: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا: ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید؛ پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویند که بیماردلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگویید» (احزاب/۳۲). خداوند در اینجا به سراغ نکته‌ای ظریف می‌رود تا مسائل دیگر در این رابطه خود به خود روشن گردد. می‌فرماید: به هنگام سخن گفتن، جدی و خشک و به طور معمولی سخن بگوئید، نه همچون زنان کم‌شخصیت که سعی دارند با تعبیرات تحریک‌کننده که گاه توأم با ادا و اطوار مخصوصی است، افراد شهوتران را به فکر گناه افکنند.

علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می‌فرماید: «می‌خواهد ایشان را از خضوع در کلام نهی کند و اینکه در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف نکنند، تا دل آنها را دچار ریه و خیال‌های شیطانی نموده و شهوت‌شان را بر انگیزانند و در نتیجه آن، مردی که در دل بیمار است، به طمع بیفتد» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۴۶۱). در تفسیر نور نیز از این آیه پیام‌هایی برداشت شده که بعضی از آنها به این شرح می‌باشد:

«دوقتی به زنان پیامبر که بیشترشان پیر و سالخورده بوده و زندگی ساده‌ای داشتند، هشدار داده می‌شود که با کرشمه و ناز سخن نگویند، زنان جوان و زیبا باید حساب کار خود را بکنند.

- با کرشمه سخن گفتن زن، بی‌تقوایی است.

- طوری سخن بگویید که هم محتوا خوب باشد و هم شیوه سالم باشد» (قرآنی، ۱۳۸۲، ج ۹: ۳۵۹ - ۳۵۸).

۴) استعاده؛ عامل بازدارنده از گناه و لغزش

یکی از راه‌های جلوگیری از انحرافات جنسی، پناه بردن به خداوند است. در چنین مواقعی هر کس به خدا پناه ببرد، خدا او را حفظ می‌کند. قرآن کریم نمونه‌ای بیان می‌نماید و می‌فرماید: «وَرَاوَدْتُهُ النَّبِيُّ هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ. و آن زن که یوسف در خانه او بود، از او تمنای کامجویی کرد. درها را بست و گفت: بیا (بسوی آنچه برای تو مهیاست! یوسف) گفت: پناه می‌برم به خدا! او [= عزیز مصر] صاحب نعمت من است، مقام مرا گرامی داشته، (آیا ممکن است به او ظلم و خیانت کنم؟!؛ مسلماً ظالمان رستگار نمی‌شوند» (یوسف/۲۳). وقتی زلیخا، یوسف را به مراوده می‌خواند که یوسف جوانی زیبا و شیدای محبت و زن هم جوانی سوخته از عشق یوسف، یک جا جمع هستند، زلیخا با لحنی آمرانه به او گفت: «هیت لک» و یوسف در جواب او می‌گوید: «معاذالله». در حقیقت، یوسف این واقعیت را به او و دیگران فهماند که در چنین شرائط سخت و بحرانی برای رهایی از چنگال وسوسه‌های شیطان و آنها که خلق و خوی شیطانی دارند، تنها راه نجات، پناه بردن به خداست. قرآن کریم در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَإِمَّا يَرَعْزَكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزَعْ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ. و هرگاه وسوسه‌ای از شیطان به تو رسد، به خدا پناه بر که او شنونده و داناست» (اعراف/۲۰۰). بدیهی است از ناحیه شیطان به طور مستقیم رفتار یا گفتاری سر نمی‌زند و زبانی از وی بدون واسطه به کسی متوجه نمی‌شود، بلکه غرض رفتار و گفتار افراد مبتدل و فرومایه است، در اثر اینکه شیطان بر روان خاطرات آنان احاطه نموده،

رفتار آنان مثالی اهریمن و سخنان آنها طنین شیطانی است که از حلقوم افراد مبتذل به گوش می‌رسد (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۷: ۲۰۶). در محیط‌های آلوده همچون محیط‌های امروز که مراکز فساد در آن فراوان و آزادی، نه به معنی حقیقی، بلکه به شکل بی‌بند و بار همه جا را فرا گرفته است و دستگاه‌های تبلیغاتی غالباً در خدمت شیطان و وسوسه‌های شیطانی هستند، تنها راه نجات در چنین شرایطی پناه بردن به خدا و یاد الطاف و نعمت‌های او و مجازات‌های دردناک خطاکاران است.

۵) فرار از موقعیت آسیب‌زا

مقاومت سرسختانه یوسف (ع) همسر عزیز را تقریباً مایوس کرد، ولی یوسف که در برابر آن زن عشوهرگر و هوس‌های سرکش نفوس پیروز شده بود، احساس کرد که اگر بیش از این در آن لغزشگاه بماند، خطرناک است و باید خود را از آن محل دور سازد. لذا با سرعت به سوی درِ کاخ دوید تا در را باز کند و خارج شود. همسر عزیز نیز بی‌تفاوت نماند. او نیز به دنبال یوسف دوید تا مانع خروج او شود و برای این منظور، پیراهن او را از پشت سر گرفت و به عقب کشید، به طوری که پشت پیراهن او پاره شد: «وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ: و هر دو به سوی در، دویدند (در حالی که همسر عزیز، یوسف را تعقیب می‌کرد)؛ و پیراهن او را از پشت (کشید و) پاره کرد» (یوسف/۲۵). با این حال، هر طور بود، یوسف خود را به در رسانید و در را گشود.

این آیه دو نکته را می‌رساند: «اول اینکه کار برای رضای الهی انجام دادن، مسئولیت آن را خود خدا به عهده می‌گیرد. دوم آنکه راهی برای جلوگیری از فساد جنسی ارائه می‌دهد که اگر در چنین موقعیت خطرناکی قرار گرفتید، با غلبه بر هوای نفوس و کنترل شهوات خود از آن موقعیت فرار نمایید» (ر. ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۹: ۴۵۵ - ۴۵۳).

۶) روزه‌داری و تعدیل میل جنسی

روزه میل جنسی را مهار و تسلیم عقل، منطق و فکر سلیم می‌کند. روزه داری در اصل عبارت است از «طرح یک برنامه تربیت روح و تزکیه نفوس تا یک برنامه بهداشتی و رژیم‌طلبی و از جانب دیگر، با ایجاد شوک حیاتی در تمام اعضا و دستگاه‌های بدن به خصوص در دستگاه تناسلی مانع تحذیر این دستگاه به منشأ روانی می‌شود» (جعفری، ۱۳۷۹: ۵۶ - ۵۵). پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «يَا مَعْشَرَ الشُّبَّانِ مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ الْبَاهَ فَلْيَتَزَوَّجْ وَ مَنْ لَمْ يَقْدِرْ فَعَلَيْهِ بِالصَّوْمِ فَإِنَّهُ لَهُ وَجَاءٌ»: ای گروه جوانان! کسی که استطاعت دارد، پس باید ازدواج کند و

کسی که قدرت ازدواج ندارد، باید روزه بگیرد؛ زیرا (روزه) او را (از گناه و شهوت حرام) نگه می‌دارد (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۷: ۵۰۶). از این حدیث شریف چنین برداشت می‌شود که روزه‌داری عامل اطفاء و کنترل قوای جنسی است.

۷) ایمان به حیات آخروی و کنترل غرایز

اعتقاد به معاد، همان‌طور که تاریخ‌شناسان می‌گویند، بزرگ‌ترین عامل موفقیت و پیشرفت مسلمانان صدر اسلام بود؛ زیرا ایمان آنان به مبدأ و معاد تنها نیرویی بود که نفس سرکش آنها را در برابر جرایم و گناه مهار می‌کرد و از فساد و انحرافشان جلوگیری می‌نمود (ر.ک؛ بهشتی، ۱۳۸۲: ۹۱). انسان اگر به این نکته توجه داشته باشد که مثلاً زنا باعث خلود در آتش قیامت خواهد شد، هرگز به دنبال این عمل زشت و شنیع نخواهد رفت. خداوند می‌فرماید: «وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا * يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا: و کسانی که معبود دیگری را با خداوند نمی‌خوانند و انسانی را که خداوند خونش را حرام شمرده، جز بحق نمی‌کشند و زنا نمی‌کنند، و هر کس چنین کند، مجازات سختی خواهد دید * عذاب او در قیامت مضاعف می‌گردد و همیشه با خواری در آن خواهد ماند» (فرقان/۶۸-۶۹). یعنی کسی که زنا می‌کند عذاب او دوجندان خواهد شد و در آتش جاودانه خواهد بود. این عمل، بازدارنده مناسبی خواهد بود. رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «وَمَنْ خَافَ النَّارَ تَرَكَ الشَّهَوَاتِ: کسی که از آتش بترسد، شهوات را رها می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۴: ۹۴). حضرت علی (ع) درباره توجه زنان به زیورهای دنیا و توجه نکردن به آخرت و معاد، خیلی دقیق و ظریف به این ویژگی خاص اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وَإِنَّ النِّسَاءَ هُمُ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا: تمام همّت زنان آرایش زندگی دنیایی است» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۱۵۶). به این معنی که خانم‌ها در صورتی که نفس خود را تحت تربیت قرار ندهند و سعی بر آخرت‌گرایی و سازماندهی رغبت‌ها به سوی ارزش‌های دینی و اخلاقی نداشته باشند، گرایش افراطی به سوی دنیا و زینت‌های آن پیدا می‌نمایند، به صورتی که تمام همّ و تلاش آنها توجه به دنیا و زینت‌های آن است. این اهتمام جدی نسبت به دنیا و ظواهر آن دستاوردی جز فساد در دنیا و زندگی دنیایی در پی نخواهد داشت. در واقع، این اهتمام افراطی هم منجر به تباهی شخصیت انسانی و متعالی زن می‌گردد و هم منجر به فساد و معضلات جدی در اجتماع و خانواده می‌شود. پس یکی از برنامه‌های تربیتی که متولیان تعلیم و تربیت باید برای آن برنامه‌ریزی کنند، مسأله گرایش و توجه به سوی آخرت است.

ب) راهکارهای اجتماعی

در این محور مباحث ذیل مورد نظر می‌باشد:

۱) تربیت و سلامت روحی در خانواده

اولین مکان تربیت فرزند، خانواده است. اگر خانواده فرزند را در مسیر صحیح تربیت کند، فرزند از بسیاری از انحرافات مصون خواهد بود. به همین جهت، خانواده طبق راهکارهای اسلامی نقش مهمی در جلوگیری از انحرافات جنسی بر عهده خواهد داشت:

استیذان فرزندان و رعایت آداب ورود

آیاتی وجود دارد که در آنها مسأله اذن گرفتن کودکان بالغ و نابالغ به هنگام ورود به اتاق‌هایی است که مردان و همسرانشان ممکن است در آن خلوت کرده باشند؛ مثلاً می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يُلْغُوا الْحُلْمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ...: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بردگان شما و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند...» (نور/۵۸). بدیهی است این دستور متوجه اولیای اطفال است که آنها را وادار به انجام این برنامه کنند؛ زیرا آنها هنوز به حد بلوغ نرسیده‌اند تا مشمول تکالیف الهی باشند. به همین دلیل، در این آیه اولیاء مخاطب هستند و نیز آیه از کودکانی سخن می‌گوید که به حد تمیز رسیده‌اند و مسائل جنسی و عورت و غیر آن را تشخیص می‌دهند. در آیه بعد می‌فرماید: «وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلْمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...: و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند، باید اجازه بگیرند، همان‌گونه که اشخاصی که پیش از آنان بودند، اجازه می‌گرفتند» (نور/۵۹).

بنابراین کودکان بالغ نیز موظف هستند در هر وقت بدون اجازه وارد نشوند. حتی کودکان نابالغ نیز که مرتباً نزد پدر و مادر هستند، باید آموزش داده شوند که بدون اجازه وارد نشوند. گرچه بعضی از ساده‌اندیشان فکر می‌کنند که کودکان سر از این مسائل در نمی‌آورند، ولی ثابت شده است که کودکان روی این مسأله فوق‌العاده حساسیت دارند و گاه می‌شود سهل‌انگاری پدران و مادران و برخورد کودکان به منظره‌هایی که نمی‌بایست آن را ببینند، سرچشمه انحرافات اخلاقی و گاه بیماری‌های روانی شده است. «در عواقب این مسأله همین بس که اگر کودکان بدون اجازه وارد شوند و چه بسا والدین را در حال آمیزش ببینند، رشد طبیعی جنسی

آنها آسیب ببیند و به بلوغ زودرس و یا به اختلال‌های جنسی دیگر مبتلا شوند» (کجباف، ۱۳۷۸: ۱۵۴).

تمکین در امور زناشویی

زن و شوهر باید طوری رفتار کنند که علاقه و عشق همدیگر را جذب کنند تا عنان قلبشان در اختیار یکدیگر قرار گیرد و جز عشق به همسر، عشق دیگری را در دل نپروراند. در صورتی که این نیاز برآورده نشود، عوارض نامطلوبی را به دنبال خواهد داشت که سرخوردگی، انحراف، بی‌عفتی، بی‌رغبتی به یکدیگر، ستیز و خصومت از آن جمله می‌باشند. طبیعت زن توأم با حیا، عفت و شرم است. او نمی‌تواند در اظهار نیازش پیشدستی کند و از شوهرش کام بگیرد، لذا شوهر موظف است در این زمینه همسر خود را فراموش نکند (بابزاده، ۱۳۷۰: ۱۹۸).

در این باره، در احادیث دستورهایی داده شده است، از آن جمله پاسخ امام صادق (ع) به اسحاق بن عمار است: «فِي الرَّجُلِ يَنْظُرُ إِلَى امْرَأَتِهِ وَ هِيَ غُرْيَانَةٌ. قَالَ: لَا بَأْسَ بِذَلِكَ وَ هَلِ اللَّذَّةُ إِلَّا ذَلِكَ: رَأَى پُرسید: آیا مرد می‌تواند به بدن عریان همسرش نگاه کند؟ حضرت در جواب فرمودند: این عمل نه تنها بلامانع است، بلکه بهترین لذت‌ها و عشق‌های زن و شوهر است (کلینی، ۱۳۶۵ ج ۵: ۴۹۷). نیز حضرت علی (ع) در حدیثی می‌فرماید: «وَلَا رَعِ لَهْنٌ عِنْدَ حَاجَتِهِنَّ وَ لَا دِينَ لَهْنٌ عِنْدَ شَهْوَتِهِنَّ يَحْفَظْنَ الشَّرَّ وَ يَنْسِينَ الْخَيْرَ فَالْطُّفُؤُا بِهِنَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ لَعَلَّهِنَّ يُحْسِنُ الْفِعَالُ: زنان را در حال تحریک و نیازشان ملاحظه نمایید و به داد آن‌ها برسید؛ زیرا هنگامی که نیازمند به این مسئله شدند تقوا و پرهیزکاری را از دست می‌دهند و ملاحظه دین و دیانت را نمی‌کنند و شهوت و غریزه جنسی همه چیز را از یاد آنها می‌برد» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴: ۲۶۱). رسول اکرم (ص) نیز درباره رابطه زناشویی می‌فرماید: «لَا يَجِلُّ لِمَرْأَةٍ أَنْ تَنْمَ حَتَّى تَعْرِضَ نَفْسَهَا عَلَى زَوْجِهَا تَخْلَعُ يَابَهَا وَ تَدْخُلُ مَعَهُ فِي لِحَافِهِ فَتَلْزِقَ جِلْدَهَا بِجِلْدِهِ فَإِذَا فَعَلَتْ ذَلِكَ فَقَدْ عَرَضَتْ: هر زنی که می‌خواهد بخوابد، موظف است خود را بر شوهرش عرضه نماید؛ بدین طریق که لباس‌های خود را درآورده و در کنار شوهرش و در رختخواب وی بخوابد و تن خود را به تن شوهرش بچسباند و چنانچه چنین کند، وظیفه خود را انجام داده است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰: ۱۷۶). گفته شد که یکی از عوامل انحراف زن و مرد ارضاء نادرست است؛ زیرا وقتی مرد نتواند زن را به خوبی ارضاء کند، وی دچار فشار عصبی و بی‌محبتی نسبت به شوهر خود می‌گردد و به همین دلیل به انحراف کشیده می‌شود.

ابراز محبت در کانون خانواده

رابطهٔ مرد و زن در جامعه باید به صورت صحیح حفظ شود تا مانع از آن شود که خودشان را به دست دیگری بسپارند و کانون خانواده را از هم بپاشند. زن باید خود را برای شوهر بیاراید و رغبت‌های روحی و جنسی او را اشباع کند و این توصیه که مرد علناً به زن خود اظهار عشق و محبت نماید و نیز تدابیر اسلامی برای محدود کردن التذاذات جنسی در محیط خانواده همه برای این است که اجتماع خانوادگی از خطر انحلال و از هم پاشیدگی مصون بماند؛ زیرا اگر زن رغبت‌های جنسی مرد را اشباع کرد و مرد هم نیاز به محبت را، دیگر هیچ یک از طرفین به شخص دیگری پناهنده نمی‌شوند. خداوند در قرآن کریم محبت و مهربانی زن و شوهر را در محیط خانه یکی از آیات قدرت و حکمت خدا معرفی می‌کند و می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. در این، نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند» (روم/۲۱). مهم‌ترین ویژگی زن دگرخواهی اوست. اگر به او عشق بورزی، با تمام وجود به شریک خود عشق می‌ورزد. پس باید پاسخ شایسته به او داده شود و آنچه مرد را می‌لغزاند و از پا در می‌آورد، شهوت است. به اعتراف روانشناسان، زن صبر و استقامتش در مقابل شهوت از مرد بیشتر است، اما آن چیزی که زن را از پا در می‌آورد و اسیر می‌کند، این است که نغمهٔ محبت، صفا، وفا و عشق از دهان مردی بشنود. اکنون اگر با توجه به فطرت‌اتی که خداوند در وجود زن و مرد به خصوص زن قرار داده است که هر دو شیفتهٔ محبت هستند، اگر این محبت و عشق در خانواده در بین زن و شوهر نباشد، معلوم است که این زن و مرد باید به این فطرت درونی خود پاسخ دهند، لذا متوجه به بیرون کانون خانواده می‌شوند.

غیرت‌ورزی بر پایهٔ دوستی و محبت در خانواده

غیرت‌مأموریتی است از سوی خداوند به مردان تا از آلودگی نسل بشر به فساد، انحراف و آلودگی‌های جنسی جلوگیری نماید. اگر مردان در حفظ محلّ نگهداری بذر انسانی غیرت نمی‌ورزیدند، رابطهٔ انسان‌ها از همدیگر گسسته می‌شد. حاصل این گسست چیزی جز تزلزل خانواده و در نهایت فروپاشی نظام اجتماعی نمی‌باشد. حضرت علی (ع) در این باره می‌فرماید: «ما زنی غیورٌ قَطُّ: غیرتمند هرگز زنا نمی‌کند» (نهج‌البلاغه/حکمت ۳۰۵).

هر چه انسان غیورتر باشد، به ناموس دیگران همچون ناموس خود می‌نگرد و در مورد همه آنها حساسیت به خرج می‌دهد. یک جوان مسلماً همان‌گونه که باید در مورد ناموس دیگران غیرت داشته باشد، در مورد ناموس خودش نیز باید حساسیت داشته باشد. رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «الْغَيْرَةُ مِنَ الْإِيمَانِ وَالْبَدَأُ مِنَ النِّفَاقِ: غیرت از ایمان و بی‌غیرتی و بی‌تفاوتی در مقابل ناموس از نشانه‌های نفاق و بی‌ایمانی است (مجلسی، ج ۶۸: ۳۴۲). قرآن کریم نیز مرد را در مقابل خانواده‌اش مسؤول می‌داند و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگهاست، نگه دارید» (تحریم/۶). بسیاری از فسادهای جامعه ناشی از بدحجابی و بدعمل کردن بسیاری از خانم‌هاست که به بی‌غیرتی و بی‌توجهی مردان بر می‌گردد. غیرت مرد، حیای زن و حجاب، سدهایی در برابر سیل ویرانگر شهوت هستند. چگونه جوان مسلمان به خود اجازه می‌دهد نامزد یا زن خود را که آرایش کرده و حجاب خود را رعایت نکرده است، در معرض دید جوانان تشنه شهوت قرار دهد؟! امام علی (ع) به مردم عراق اعتراض کرد و آنان را توبیخ نمود و فرمود: «يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ نُبِّئْتُ أَنَّ نِسَاءَكُمْ يُدَافِعْنَ الرَّجَالَ فِي الطَّرِيقِ أَمَا تَسْتَحْيُونَ: ای مردم، باخبر شده‌ام که زنان شما در بازار تنه به تنه مردان می‌زنند. آیا شرم ندارید؟ آیا غیرت ندارید؟» (مجلسی، ۴۰۶ق، ج ۸: ۳۸۳ و کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۵۳۶).

بنابراین انسان باید هویت خود را بشناسد و اگر هویت خود را شناخت، می‌تواند برای زندگی خود مرزبندی کند. چنین فردی نه به حریم کسی وارد می‌شود و نه اجازه می‌دهد کسی به حریم او وارد شود و این غیرت است که باعث حفظ و امنیت جامعه خواهد شد.

کنترل و نظارت بر رفتار زنان و دختران

قرآن کریم وظیفه مرد مسلمان می‌داند که از خانواده خود محافظت کند و در این باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگهاست، نگه دارید» (تحریم/۶). خداوند در این آیه روی سخن را به همه مؤمنان کرده و درباره تعلیم و تربیت همسر و فرزندان و خانواده دستوراتی می‌دهد: «نگهداری خویشتن، به ترک معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوات سرکش است و نگهداری خانواده، به تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر و فراهم ساختن محیطی پاک و خالی از هرگونه آلودگی، در فضای خانه و خانواده است» (میرزا خسروانی، ۱۳۹۰، ج ۸: ۳۵۰). ملاحظه می‌شود که در

این آیه تأکید شدید است در نگهداری شخص و اهل و فرزندان خود را از چنین آتشی (حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱۳: ۲۲۶). با تدبیر در آموزه‌های اسلامی، به خصوص روایات اهل بیت علیهم‌السلام نحوه اجرای این روش تربیتی برای ما روشن می‌شود. امام صادق (ع) در حدیثی از پیامبر (ص) نقل می‌کنند که: «مَنْ أَطَاعَ امْرَأَتَهُ أَكْبَهُ اللَّهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي النَّارِ قِيلَ وَ مَا تِلْكَ الطَّاعَةُ قَالَ تَطْلُبُ مِنْهُ الذَّهَابَ إِلَى الْحَمَامَاتِ وَالْعُرْسَاتِ وَالْعِيدَاتِ وَالنَّبَاحَاتِ وَالنِّيَابَ الرَّفَاقِ: کسی که از زنش اطاعت نماید، خداوند او را به صورت در آتش می‌اندازد. پرسیده شد آن اطاعت چیست؟ فرمود: اینکه زن درخواست رفتن به حمام‌ها، عروسی‌ها، مراسم عید، جشن‌ها و نوحه‌سرایی‌ها با پوشیدن لباس‌های نازک و بدن‌نما را داشته باشد و شوهرش از او اطاعت نکند» (کَلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۵۱۷).

این نظارت و کنترل باید به شکل مدبرانه‌ای صورت بگیرد. با توجه به وضعیتی که بر جوامع امروزی حاکم است، بی‌شک عدم نظارت راه برای انحراف فرزندان و زنان همراه می‌کند و نظارت کامل و لحظه به لحظه راه را برای رشد و استقلال آنان مسدود خواهد کرد. به هر حال، نظارت بر رفتار فرزندان باید به شیوه‌ای باشد که ضمن استقلال و اعتماد به نفس، آنها را از گمراهی و انحراف مصون دارد. از این رو، اصل و قاعده در نظارت، به خصوص دختران و زنان، نظارت عاقلانه و متناسب با ساخت روانی آنان است.

امتناع از دوستی با جنس مخالف

قرآن کریم دوستی دختر و پسر یعنی رفیق‌بازی جنسی را که در این عصر در جوامع بسیار شایع است، نهی فرموده است و به عنوان یکی از راه‌های مبارزه با انحرافات جنسی آن را این‌گونه بیان می‌فرماید: «...فَانكِحُوهُنَّ بِأُذْنِ أَهْلِهِنَّ وَأَتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ...». آنها را با اجازه صاحبان آنان تزویج نمایید و مهرشان را به طور پسندیده به خودشان بدهید، به شرط آنکه پاکدامن باشند، نه بطور آشکار مرتکب زنا شوند و نه دوست پنهانی بگیرند. . .» (نساء/۲۵).

آیت‌الله سبحانی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «در نخستین روزهای زناشویی کشش و حافظ پیوند همسری همان کامیابی‌ها و لذت‌های جنسی است، اما پس از اندک‌زمانی گرایش و علاقه روحی است که جایگزین آن می‌شود، به طوری که زن جز به شوهر به کسی دل نمی‌بندد و زندگی آن دو با مهر و دلدادگی همراه می‌گردد. اما آنگاه که به همسران قانونی اجازه داده می‌شود، به خوشگذرانی و کامیابی‌های جنسی بپردازند، در این صورت رفته‌رفته چراغ مهر و مودت به خاموشی می‌گراید و همسر به جای دل بستن به شوهر، چشم و دیده و دل به دیگران

می‌دهد. به این دلیل در اسلام رفیق‌بازی جنسی به طور کلی ممنوع شده و واژه دوست دختر و پسر که به شیوه غربی در میان برخی رایج است، از محرمات مسلم اسلام بشمار می‌رود» (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۱۳: ۱۱۹).

دخترها نیز باید بدانند پسری که به سراغ او می‌آید، در حقیقت، دنبال منافع خویش است و در واقع، دوست نیست، بلکه یک مزاحم ولگرد است و دنبال خیانت است، ولی به نام دوست. در این رابطه سه چیز نصیب طرفین می‌شود: عقب افتادن از زندگی، تحصیل و آینده، از بین رفتن حیثیت و اصالت خانوادگی و افتادن از چشم پدر و مادر و فامیل، بار سنگین گناه، شرمندگی وجدانی و خدایی، گرفتار خشم خدا شدن و برای رهایی از این همه آسیب باید با حفظ عفت و تقوا از راه سالم و مشروع اقدام نمود که همان ازدواج است.

۲) نهادهای حکومتی و رفع موانع ازدواج

از آنجا که ریشه بسیاری از مشکلات به محیط اجتماع برمی‌گردد که دولت متولی رسیدگی به امور آن است، لذا در اینجا راه‌های پیشگیری از ناهنجاری‌های جنسی که ریشه در اجتماع دارند، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۱) اهتمام به ازدواج جوانان و آسان‌سازی آن

هنگامی که انسان از مرحله تجرد پا به مرحله زندگی خانوادگی می‌گذارد، شخصیت تازه‌ای در خود می‌یابد و احساس مسؤولیت بیشتری در خود می‌کند. هم والدین و هم جامعه نقش اساسی در امر ازدواج جوانان دارند که زمینه و مقدمه آن را برای آنان فراهم کند تا ازدواج هر چه بهتر و آسان‌تر صورت گیرد. لذا در این باره قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را. اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد. خداوند گشایش‌دهنده و آگاه است» (نور/۳۲). «تعبیر «وَأَنْكِحُوا» آنها را همسر دهید. با اینکه ازدواج یک امر اختیاری و بسته به میل طرفین است، مفهومی این است که مقدمات ازدواج آنان را فراهم سازید. از طریق کمک‌های مالی در صورت نیاز، پیدا کردن همسر مناسب، تشویق به مسأله ازدواج و پا در میانی برای حل مشکلاتی که معمولاً در این موارد بدون وساطت دیگران انجام‌پذیر نیست» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۱۶۷).

۲- ۱- ۱) مقدمات ایجاد ازدواج

خداوند رحمان در آیه ۳۲ از سوره مبارکه نور (آیه یاد شده در مدخل پیشین) مردم، جامعه و مسؤولین را مخاطب ساخته است. نقش نهادهای حکومتی در تهیة مقدمات ازدواج در دو بخش فرهنگی و اقتصادی زیر مورد توجه قرار می‌گیرد:

ساحت فرهنگی

هدف و زیربنای انقلاب ما فرهنگ است، لذا همه برنامه‌ها و طرح‌ها باید حول محور فرهنگ اجرا گردد. پس حکومت اسلامی موظف است برای تشویق جوانان به ازدواج و مقابله با تهاجم فرهنگی و رفع موانع پیش روی آنان اقداماتی انجام دهد. از جمله:

- تشویق و ترغیب جوانان به امر ازدواج.
- ایجاد امید و نشاط با ذکر وعده‌های قرآن و احادیث.
- ارائه ملاک‌های صحیح انتخاب همسر.
- احترام بیشتر به متأهلین جوان.
- پائین آوردن سطح مهریه، جهیزیه و ولیمه به منظور آسان‌سازی ازدواج.
- ارائه خدمات فرهنگی ارزان یا رایگان به متأهلین جوان.
- ارائه فیلم‌ها و ذکر نمونه‌هایی از جوانانی که بعد از تأهل توفیق بیشتری در زندگی پیدا کرده‌اند» (نوری همدانی، ۱۳۸۴: ۳۹۲).

ساحت اقتصادی

اگرچه اقتصاد در فرهنگ ما هدف نیست، ولی مهم‌ترین ابزار رشد و تعالی و رسیدن به سعادت هر دو جهان است. لذا در زمینه اقتصادی نیز وظایف سنگینی جهت ارتقاء وضع جوانان به عهده مسؤولین نظام است. از جمله اقدامات ذیل ضروری به نظر می‌رسد:

- اعطای وام‌های طولی‌المدت بدون سود و بدون مقررات دست و پا گیر برای ازدواج.
- انبوه‌سازی خانه‌های استیجاری با اجاره پائین برای زوج‌های جوان.
- ارائه خدمات تسهیلاتی ویژه زوج‌های جوان.
- اولویت استخدامی برای متأهلین جوان.

۲-۲) پائین آوردن سن ازدواج

با استفاده از آیات و روایات، صاحب‌نظران به این نتیجه رسیده‌اند که پائین آوردن سن ازدواج از مهم‌ترین راه‌های موجود برای جلوگیری از انحرافات جنسی است. برای دختران و پسران محصل یا شاغل، پائین آوردن سن ازدواج شاید با استقبال خانواده‌ها رو به رو نشود، ولی راه حلی که ارائه می‌گردد، فقط نیاز به فرهنگ‌سازی دارد. تشویق به ازدواج، به خصوص در سنین جوانی و کراهت اسلام از تجرد و رهبانیت در آثار معصومین به وضوح مشاهده می‌شود. لذا ازدواج در سنین پایین برای جوانان مجرد (اعم از دختر و پسر) مورد تأکید قرار گرفته است. به عنوان نمونه، پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «ما من شاب تزوج فی حدائیه سنه الا عج شیطانه: یا وایله! یا وایله! عَصَمَ مِنِّي ثُلُثِي دِينِهِ، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ الْعَبْدُ فِي الثُّلُثِ الْبَاقِي: هر جوانی که در سن کم ازدواج کند، شیطان فریاد بر می‌آورد که: وای بر من! وای بر من! دو سوم دینش را از دستبرد من مصون نگه داشت. پس، بنده باید برای حفظ یک‌سوم باقی مانده دینش، تقوای الهی پیشه سازد» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰۰: ۲۲۱). در روایت دیگر آمده است: «مَنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ أَنْ لَا تَطْمَثَ ابْنَتُهُ فِي بَيْتِهِ: از سعادت و خوشبختی مرد این است که دخترش در خانه‌اش حیض نشود» (کلبینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۳۳۶) و این یعنی سن ازدواج دختران ۱۲ تا ۱۳ سالگی می‌باشد. دختران مانند میوه روی درخت هستند. اگر به موقع چیده نشوند، خورشید آنها را فاسد می‌کند و بادهای آنها را می‌پراکند. دختران چنینند که وقتی به حد زناشویی برسند، هیچ دارو و درمانی جز شوهر دادن برای آنها کارساز نیست. با بالا رفتن سن ازدواج دختران فساد و فحشا در جامعه بالا می‌رود. اگر خانواده‌ها به این راه حل تن ندهند (به جای اینکه دختر با یک پسر ارتباط مشروع داشته باشد و به تحصیل خود ادامه دهد)، منجر به روی آوردن به فرهنگ دوست پسر یا دوست دختر می‌شود.

۲-۳) پرهیز از اختلاط زن و مرد

اسلام زنان را تا حدودی که منجر به فساد نشود، از شرکت در اجتماع نهی نمی‌کند. روش اسلام حد وسط است. اگر کسی بیمار دل نباشد، تصدیق می‌کند که راه اسلام راه متعادلی است. اسلام در عین اینکه نهایت مراقبت را برای پاکی روابط جنسی به عمل آورده است، هیچ مانعی برای بروز استعدادهای انسانی زن ایجاد نکرده است، بلکه با دستور به عدم اختلاط زن و مرد در مجامع، به صراحت یکی از راهکارهای جلوگیری از انحرافات جنسی را بیان می‌کند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ

ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ... ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ... و هنگامی که چیزی از وسائل زندگی را (به عنوان عاریت) از آنان [= همسران پیامبر] می‌خواهید از پشت پرده بخواهید. این کار برای پاکی دلهای شما و آنها بهتر است» (احزاب/۵۳). این آیه خطاب به مؤمنان است و «می‌فرماید که اگر به خاطر حاجتی که برایتان پیش آمده، ناگزیر شدید با یکی از همسران آن جناب (پیامبر (ص)) صحبتی بکنید، از پس پرده صحبت کنید و جمله «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» مصلحت حکم مزبور را بیان می‌کند و می‌فرماید: برای اینکه وقتی از پشت پرده با ایشان صحبت کنید، دل‌هایتان دچار وسوسه نمی‌شود و در نتیجه این رویه، دل‌هایتان را پاک‌تر نگه می‌دارد» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۵۰۶). «آیه شریفه گرچه خطاب به مؤمنان در مورد خانه و زنان پیامبر (ص) است، ولی مسلماً این حکم اختصاص به ایشان ندارد. همچنین گویای این پیام است که در ارتباط با نامحرم، نگاه نامحرم به یکدیگر، در دل آنان تأثیرگذار است» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹: ۳۹۳). لذا اسلام با این سفارش، اولین مراحل از پیشگیری وقوع انحرافات را بیان کرده که باید روابط نامحرم از همین مرحله نخستین کنترل شود و هیچ مرد و زن بیگانه‌ای به خاطر وسوسه و هیجان جنسی دچار مراحل خطرناک‌تر انحرافات در این زمینه نشود.

نکته جالب اینکه «اخیراً روانشناسان متفق‌القول شدند که مدارس مختلط سبب می‌شود هر دو جنس از یکدیگر بیزار شوند. یک علت آن این است که پسر آنچه از عفت زنان خواسته یا دختر آنچه از مردانگی مردان خواسته است، کاذب می‌بیند» (پاک‌نژاد، بی‌تا، ج ۱: ۱۰۲). همچنین، بیشتر دانشمندان و صاحب‌نظران اختلاط دختران و پسران را مخالف علایق و خصوصیات و نیازهای جسمی هر کدام و نیز مخالف ویژگی‌های فرهنگی در جوامع گوناگون دانسته‌اند. به همین علت، دلایلی را در کارآمد بودن تفکیک جنسیتی در امر آموزش ذکر نموده‌اند:

به سبب تفاوت‌های زیستی و روانی دو جنس زن و مرد و در نتیجه، تفاوت‌های آنها در نیازهای آموزشی، آموزش یکسان و مشابه برای دو جنس مخالف غیر ممکن می‌باشد و باید برای هر گروه برنامه‌ریزی آموزشی مطابق با نیازهای آن صورت پذیرد.

به دلیل تفاوت‌های موجود به خصوص اختلاف دختر و پسر در بلوغ، رقابت در مدارس و دانشگاه‌های مختلط نابرابر شده و غالباً سبب افت تحصیلی پسران و ناراحتی‌های روحی آنان می‌گردد.

دوران نوجوانی و جوانی زمان اوج احساسات و غرایز جنسی است و اختلاط سبب دلبستگی هر یک از دو جنس به دیگری می‌شود. همین مسأله، افت تحصیلی و افزایش انحرافات اخلاقی را در پی خواهد داشت» (مقیمی حاجی، ۱۳۸۰: ۷۸ - ۷۷).

۲-۴) برخورد قاطع با متخلفان

همان‌طور که حکومت وظیفه آماده‌سازی مقدمات و آسان‌سازی ازدواج و ... را بر عهده دارد، باید با کسانی که مرتکب اعمال زشت منافی عفت می‌شوند، برخورد کند تا الگویی برای دیگران گردد و فساد و انحراف جنسی در جامعه شیوع پیدا نکند. قرآن کریم در سوره مبارکه نور به این امر اشاره می‌فرماید.

تنبیه بدنی زناکار

خطر گسترش فحشاء و عوارض دردناک روحی و جسمی، اخلاقی و اجتماعی و پیامدهای خانمان‌برانداز آن ناگفته پیداست، به‌طوری‌که در تمام جوامع بشری با دیده نفرت به این کار نگاه می‌شد و همواره آن را جنایتی بر ضد خانواده و اخلاق می‌شمردند و به همین جهت هم مجازات سختی برای آن مقرر شده بود. یکی از مجازات‌های مرد و زن زناکار تنبیه بدنی است.

موضوعی که در رابطه با شلاق خوردن زانی به نظر می‌رسد، ولی هنوز صحت علمی آن صد در صد واضح نشده است، این می‌باشد که با شلاق زدن به زانی و زانیه یک معالجه طبی در آنها انجام می‌گیرد. میکروب‌های سیفلیس و سوزاک خیلی دیر معالجه می‌شوند و مهم‌ترین معالجه آنها با حرارت است. مخصوصاً وقتی این میکروب تازه به بدن وارد می‌شود و نمو نکرده باشد، شلاق زدن یکی از بهترین وسایل تولید حرارت در موضعی است که میکروبها بدانجا وارد شده‌اند...» (دستغیب، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۹۶). پس این سخن خداوند بدون حکمت نیست که می‌فرماید: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِئَةَ جَلْدَةٍ...» هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید» (نور/۲). زدن تازیانه برای جلوگیری از عمل فرد و سرایت کردن به دیگران است؛ هم سرایت عملی و هم سرایت جسمی که البته این تنبیه بدنی خود اقسام گوناگونی دارد. در واقع، در همه موارد این حدّ زنا به یک شکل اجرا نمی‌شود. امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله حدّ زنا را اینگونه بیان می‌فرماید:

«قسم اول: حدّ زنا در موارد زیر قتل است و فرقی بین جوان و غیر جوان و محصن و غیر محصن نیست.

الف) زنا با محارم نسبی.

ب) زنا با زن پدر که موجب قتل زانی است.

ج) زنا با غیر مسلمان با زن مسلمان که موجب قتل زانی است.

در این چند موردی که گذشت شرط جریان حدّ این نیست که زناکار محصن باشد، بلکه زناکار گشته می‌شود هر چند که محصن نباشد.
 قِسم دوم: از اقسام حدّ، سنگسار تنها است که واجب است آن را در مورد مرد محصن به کار برند.

قِسم سوم: از اقسام حدّ، تازیانه تنها است که بر چند طایفه جاری است. اول، بر مرد زناکاری که عذب باشد. دوم، بر زن عاقل و بالغی که طفلی با او زنا کرده باشد. سوم، بر زنی غیر محصنه که با مردی زنا داده باشد.

قِسم چهارم: از اقسام حدّ، مواردی است که هم تازیانه باید بخورد و هم سنگسار شوند که این حد، بر پیر زن دارای شوهر و پیرمرد دارای همسر باید اجرا شود.

قِسم پنجم: از اقسام حدّ، تازیانه و سرتراشیدن و تبعید کردن است و این عقوبت حدّ پسر بکر است» (ر.ک؛ موسوی خمینی (ره)، ۴۲۵ق، ج ۴: ۱۹۱-۱۸۷)

تنبیه عاطفی

خداوند متعال پس از دستور به تنبیه بدنی، دستور به تنبیه عاطفی می‌دهد و می‌فرماید نباید از خود نشان دهند: «وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ... و نباید رأفت (و محبت کاذب) نسبت به آن دو شما را از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید» (نور/۲). در همین زمینه حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است که می‌فرماید: «يُؤْتَى بِوَالٍ نَقَصَ مِنَ الْحَدِّ سَوْطًا. فَيَقَالُ لَهُ لِمَ فَعَلْتَ ذَاكَ؟ فَيَقُولُ رَبِّ رَحْمَةٌ لِعِبَادِكَ. فَيَقَالُ لَهُ أَنْتَ أَرْحَمُ بِهِمْ مِنِّي فَيُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ. وَ يُؤْتَى بِهِ مِنْ زَادٍ سَوْطًا فَيَقَالُ لَهُ لِمَ ذَاكَ؟ فَيَقُولُ لِيَنْتَهُوا عَنْ مَعْصِيكَ فَيُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ: روز قیامت بعضی از زمامداران را که یک تازیانه از حدّ الهی کم کرده‌اند، در صحنه محشر می‌آورند و به او گفته می‌شود: چرا چنین کردی؟ می‌گوید: برای رحمت به بندگان تو. پروردگار به او می‌گوید: آیا تو نسبت به آنها از من مهربان‌تر بودی؟ و دستور داده می‌شود او را به آتش بیفکنید. دیگری را می‌آورند که یک تازیانه بر حدّ الهی افزوده است. به او گفته می‌شود: چرا چنین کردی؟ در پاسخ می‌گوید: تا بندگان از معصیت تو خودداری نکنند. خداوند می‌فرماید: تو از من آگاه‌تر و حکیم‌تر بودی؟ سپس دستور داده می‌شود او را هم به آتش دوزخ ببرند (ابن ابی‌جمهور، ۴۰۵ق، ج ۲: ۱۵۳). بنابراین راهکارهای مبارزه با فساد جنسی در این بخش ارائه گردید که اگر این راه حل‌های اسلامی توسط فرد، جامعه، حکومت

اسلامی و خانواده اجرا گردد، از بسیاری از انحرافات جنسی در سطح جامعه جلوگیری می‌شود.

نتیجه‌گیری

از مطالب گذشته این نتیجه به دست می‌آید که از جمله راهکارهای پیشگیری از انحرافات جنسی، پرهیز از اختلاط زن و مرد، به خصوص تفکیک مراکز دانشگاهی است؛ زیرا اختلاط دختر و پسر باعث دلزدگی دو جنس مخالف از یکدیگر می‌شود. علت آن این است که پسر آنچه را از عفت زنان خواسته و دختر آنچه را از مردانگی مردان خواسته کاذب می‌بیند. فرار از موقعیت آسیب‌زا، پرهیز از همجواری با نامحرم، ایجاد فضای سالم اجتماعی، فراهم کردن امکان ازدواج برای جوانان، پائین آوردن سن ازدواج که از وظایف حکومت اسلامی است، در پیشگیری از انحرافات جنسی مؤثر دانسته شده است. از سوی دیگر، تنبیه منحرفان جنسی و عبرت شدن آنها برای دیگران نیز می‌تواند در جلوگیری از این انحرافات مؤثر واقع شود. با توجه به دستورات قرآن کریم، به نظر می‌رسد خانواده که اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین پایه هر جامعه محسوب می‌شود، باید در جهت حفظ سلامت و امنیت بنیة این نهاد و ترقی و توسعه آن تلاش جدی‌تری به عمل آید. مهم‌ترین اصل در خانواده، پیوند عشق و محبت است. اگر این اصل کمرنگ گردد، خانواده رو به انحطاط و زوال خواهد رفت و در نتیجه، فرزندان و همسر برای جبران این کمبود به هر بیگانه‌ای متوسل خواهند شد. لذا باید عاطفه چنان حکم‌فرما باشد که کمبود آن خانواده را متزلزل نگرداند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابن ابی‌جمهور، محمد بن زین‌الدین. (۱۴۰۵ق). *عوالی اللّٰهالی العزیزیه فی الأحادیث الدّینیّه*. چاپ اول. قم: دار الشّهداء للنّشر.

ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. چاپ دوم: قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن شعبه حرانی، فضل بن حسن. (۱۴۰۴ق). *تخفّ العُقُول*. چاپ دوم. قم: جامعه مدرسین.

- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ق.). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. چاپ اول. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- استال، سیلوانوس. (۱۳۷۲). *آنچه یک پسر باید بداند*. ترجمه نصرالله کاسمی. چاپ چهارم. تهران: کورش.
- بابازاده، علی اکبر. (۱۳۷۰). *مسائل ازدواج و حقوق خانواده*. چاپ دوم: مشهد: بدر.
- برزگرشانی، یعقوب. (۱۳۸۶). *بحران معنویت و راهکارهای هدایتی قرآن*. چاپ اول. مشهد: مؤسسه فرهنگی و هنری و انتشاراتی ضریح آفتاب.
- بهشتی، ابوالفضل. (۱۳۸۲). *سیمای مؤمن در قرآن و حدیث*. چاپ اول. قم: بوستان کتاب.
- پاک‌نژاد، رضا. (۱۳۷۹). *ازدواج و مکتب انسان‌سازی*. چاپ سوم. قم: اخلاق.
- _____ . (بی‌تا). *روش شوهرداری در اسلام*. تهران: مؤسسه انتشارات بعثت.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۶۶). *غررالحکم و دُرر الکلم*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- جعفری، حبیب‌الله. (۱۳۷۹). *اهمیت پزشکی روزه در سلامت انسان*. چاپ اول. تهران: امیرکبیر.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق.). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد. (۱۳۶۳). *تفسیر اثنا عشری*. چاپ اول. تهران: انتشارات میقات.
- حسینی همدانی، سید محمدحسین. (۱۴۰۴ق.). *انوار درخشان*. چاپ اول. تهران: کتابفروشی لطیفی.
- دستغیب، عبدالحسین. (۱۳۸۹). *گناهان کبیره*. چاپ بیست و سوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- دی آنجلس، باربارا. (۱۳۸۷). *آنچه زنان می‌خواهند مردان بدانند*. ترجمه فاطمه محمدنیا. چاپ اول. تهران: معیار علم.
- راستگو، محمدباقر. (بی‌تا). *برای چشم‌هایت*. تهران: انتشارات برهان.
- سیوطی، جلال‌الدین. (۱۴۰۴ق.). *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*. قم: کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی.
- طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.

- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۲). *تفسیر نور*. چاپ ششم: تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کجیاف، محمدباقر. (۱۳۸۷). *روانشناسی رفتار جنسی*. چاپ اول. تهران: نشر روان.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). *الکافی*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق.). *بحار الأنوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- _____ . (۱۴۰۶ق.). *روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*. چاپ دوم. قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشابور.
- محدث نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸ق.). *مستدرک الوسائل*. چاپ اول. قم: مؤسسه آل البيت.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲). *فلسفه اخلاق*. چاپ یازدهم. تهران: صدر.
- _____ . (۱۳۷۴). *نظام حقوق زن در اسلام*. چاپ نوزدهم. تهران: صدرا.
- مقیمى حاجی، ابوالقاسم. (۱۳۸۰). *جوانان و روابط*. چاپ اول. قم: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه قم.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۵). *تفسیر نمونه*. چاپ بیت و نهم. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- _____ . (۱۳۸۱). *یکصد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث*. به اهتمام حسین حسینی. چاپ اول. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- موسوی خمینی (ره)، امام سید روح‌الله. (۱۴۲۵ق.). *تحریر الوسيله*. ترجمه علی اسلامی. چاپ بیست و یکم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- میرزا خسروانی، علیرضا. (۱۳۹۰ق.). *تفسیر خسروی*. چاپ اول. تهران: انتشارات اسلامیه.
- نوری همدانی، حسین. (۱۳۸۴). *جایگاه بانوان در اسلام*. چاپ چهارم. بی‌جا: انتشارات مهدی موعود(عج).